



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین روش بحث

بحث حاضر در مورد نظام اقتصادی اسلام است.

روش اقتصاددانان این گونه است که نظام های مختلف اقتصادی را مطرح کرده و به مقایسه آنها می پردازند. برای بررسی نظام اقتصادی اسلام نیز یک روش این است که نظام های اقتصادی مختلف مطرح شده و مورد نقض و ابرام قرار گیرند تا صحت و بطلان آنها از نظر اسلام مشخص گردد. روش دیگر این است که اساساً نظام های اقتصادی دیگر مورد بحث قرار نمی گیرد بلکه صرفاً نظام اقتصادی اسلام مورد دقت نظر قرار گیرد؛ چون ممکن است نظام اقتصادی اسلام نسبت به سایر نظام های اقتصادی موافق یا مخالف باشد و یا اینکه بین آنها نسبت عموم و خصوص من وجه باشد.

بحث پیش رو بر اساس روش دوم که کاملاً بحث حوزوی و بر اساس فقه جواهری است، دنبال خواهد شد.

مقدمات بحث

قبل از ورود به بحث اصلی، به سه مطلب به عنوان مقدمه بحث اشاره می شود:

الف: جدید بودن بحث و قلت نصوص موجود در آن

بحث از نظام اقتصادی اسلام، بحثی است که کاملاً جدید است و در کتب فقهی مطرح نشده است و لذا تنظیم این مباحث نیاز به تلاش و دقت علمی بسیار دارد تا تمام منابع و مواردی که مظان وجود مطلب است، تتبع گردند. به همین جهت باید قرآن کریم و منابعی مانند وسائل الشیعه، چند دوره مورد مطالعه قرار گیرند تا مطالبی جمع آوری و استخراج گردد. از طرف دیگر بر خلاف مباحثی همچون طهارت، صلوات، حج و زکات که در آنها روایات بسیار زیادی نقل شده است، در بحث نظام اقتصادی اسلام، روایات و نصوص بسیار اندک است و در این روایات نیز نهایتاً سوالات راویان از فقه العقود بوده است. در نتیجه مطالبی که ائمه علیهم السلام در بخش اقتصاد بیان کرده اند، در مورد فقه العقود است. البته این مطلب به معنای عدم اشاره به نظام اقتصادی و نقش آن در جامعه اسلامی نیست بلکه مقصود این است که نصوص مرتبط با این بحث، بسیار اندک است.

از نظر سیره عملی نیز اگرچه امیر المؤمنین علیه السلام به مدت پنج سال حکومت داشته اند، اما نمی توان با مراجعه به سیره ایشان، نظام اقتصادی که ایشان برپا کرده اند را به دست آورد و تقریباً احاله به محال است؛ چون سیره ایشان به نحو کامل نقل نشده است. از طرف دیگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در پنج سالی که حکومت داشته اند، عمدتاً مشغول جنگ بوده اند. علاوه بر اینکه دولتی که در آن زمان برپا بوده است، تفاوت بسیار زیادی با دولت ها و حکومت های کنونی داشته است. این تفاوت شبیه تفاوت اجتهاد در زمان حضور معصومین علیهم السلام و اجتهاد در زمان غیبت است. در زمان حضور، مجتهدینی مانند محمد بن مسلم و زراره به محضر ائمه علیهم السلام شرفیاب شده و سؤالاتی مطرح می کرده اند و اجتهاد آنها نهایتاً تمسک به اطلاق یا عموم کلمات معصومین علیهم السلام بوده است. در موارد تعارض نیز مشکل را با سؤال کردن از خود ائمه علیهم السلام برطرف می کرده اند. اما استنباط و استخراج مطالب در عصر حاضر بسیار متفاوت از آن زمان است؛ چون روش اجتهاد و همچنین مسائلی که در عصر حاضر مطرح می شود، بسیار پیچیده تر از عصر حضور است. حکومت در عصر حاضر نیز همانند اجتهادی که در عصر غیبت صورت می



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلایی دام ظلّه

گیرد، از پیچیدگی های بسیاری برخوردار است که با توجه به این مطلب، نمی توان حکومت در عصر حاضر را با زمان معصومین علیه السلام مقایسه کرد.

نکته دیگر این است که در بحث نظام اقتصادی اسلام، اصول عملیه همچون برائت عقلی، برائت شرعی، استصحاب و... قابل تمسک نیست؛ چون اصول عملیه صرفاً وظیفه ظاهری مکلفین را مشخص می کنند و واقع نمائی ندارند، در حالی که بحث حاضر به دنبال نظر اسلام در باب اقتصاد است و این مطلوب با حکم ظاهری تأمین نمی گردد.

فقهاء و بزرگان حوزوی نیز در سالیان گذشته به این بحث نپرداخته اند. البته برخی از فقهاء مانند شهید صدر به صورت فی الجمله وارد این مباحث شده اند، اما به عنوان یک مبحث اصیل حوزوی مطرح نشده است.

اشاره به این مقدمه به معنای نپذیرفتن بار مسؤولیت نیست بلکه صرفاً به این جهت بیان شده است که مشخص گردد بحث از نظام اقتصادی اسلام با دشواری خاصی همراه است و لذا نمی توان نتیجه حاصل شده را به صورت قطعی و صد در صد به اسلام نسبت داد. هرچند در سایر احکام که از مسلمات فقهی نیستند نیز به همین صورت است و نمی توان نتیجه به دست آمده را به صورت قطعی، حکم الله دانست. به عنوان مثال اصل و جوب نماز و روزه از مسلمات است و قطعاً حکم الله محسوب می شوند، اما جزئیات آنها مثل باطل شدن روزه با استفراغ یا فرو بردن تمام سر در آب، جزو مسلمات نیست و نمی توان آنها را به صورت قطعی به شارع نسبت داد. البته ممکن است این موارد در روایات اشاره شده باشد که حجت بر ما محسوب می شوند، اما حجت بودن روایات، به معنای مطابق واقع بودن آنها نیست و ممکن است به علل متعددی که وجود دارد، روایت های نقل شده، مخالف واقع باشد. بنابراین در بحث نظام اقتصادی اسلام نیز اگر مطالبی مانند نقش دولت در نظام اسلامی یا نظر اسلام در مورد مالکیت اشخاص استفاده می شود، اما نمی توان نتیجه به دست آمده را امر صد در صد مطابق واقع دانست بلکه صرفاً مقتضای حجج شرعی مورد بررسی قرار می گیرد. البته در بحث های اقتصادی نیز مسلمات و واضحاتی وجود دارد، اما همه نتایج از این ویژگی برخوردار نیستند.

ب: حداقلی یا حداکثری بودن دخالت شارع

مقدمه دوم این است که در مورد حداکثری یا حداقلی بودن دخالت شارع، اختلاف نظر وجود دارد و این بحث از اهمیت بسیار بالائی برخوردار است.

توضیح مطلب این است که بر اساس نظریه ای که در بین فقهاء مشهور شده و رواج یافته است، خداوند متعال نسبت به همه چیز حکم جعل کرده و نسبت به صحت و بطلان یا حکم تکلیفی آن از قبیل حرمت، وجوب یا استحباب، اظهار نظر کرده است. بر اساس این نظریه، خداوند متعال لامحاله در مورد نظام اقتصادی نیز نظریه خاصی دارد که باید با بررسی أدله مشخص گردد. نظریه دیگر در مورد دخالت شارع، حداقلی بودن آن است؛ یعنی شارع مقدس صرفاً به خط قرمزها اشاره کرده است و نسبت به سایر امور اساساً هیچ جعل و انشائی نداشته است.

تطبیق این دو نظریه بر یک مثال عرفی این چنین است که اگر کودکی بخواهد در حیاط خانه به بازی بپردازد، طبق نظریه اول، باید پدر او نسبت به انواع بازی کردن و همچنین مکان های متعددی که برای بازی کردن او وجود دارد، اظهار نظر کرده و حرمت یا اباحه آنها را مشخص کند، اما طبق نظریه دوم صرفاً در مورد ممنوع بودن بازی خاص و یا ممنوع بودن بازی در یک مکان خاص اظهار نظر می کند و برای آن حکم جعل می کند. به عنوان مثال بیان می کند که کودک نباید در اطراف حوض به بازی بپردازد، اما نسبت به سایر



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مکان ها و همچنین انواع بازی هایی که کودک انجام می دهد، جعل و انشائی انجام نمی دهد؛ چون خود کودک به بازی خواهد پرداخت و نیازی به بیان شرعی و جعل حکم برای آن نیست.^۱

بحث از حداکثری یا حداقلی بودن احکام اسلامی شامل همه احکام اعم از وضعی و تکلیفی می شود و طرفداران هر یک از دو نظریه، أدله ای را اقامه کرده اند. به عنوان مثال پیامبر اکرم در خطبه ای که در بازگشت از حجة الوداع ایراد کرده، فرموده اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ»^۲ بر اساس این تعبیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به واجبات و محرمات اشاره کرده اند، اما امور مباح در کلام ایشان مورد اشاره قرار نگرفته است؛ چون مردم به خودی خود آنها را انجام داده و ترک خواهند کرد و لازم نیست که شارع هزینه کرده و برای آنها جعل اباحه کند؛ چون جعل حکم نیاز به داعی دارد و وقتی خود مردم آنها را انجام داده و یا ترک می کنند، داعی برای جعل باقی نخواهد ماند کما اینکه مردم بدون حکم شارع نیز از خوردن فضولات اجتناب می کنند. در نتیجه لازم نیست که شارع حکم به عدم جواز خوردن آنها کند؛ چون چنین حکمی لغو است. امام خمینی در باب طهارت و نجاست قائل به این مبنا شده اند و بیان کرده اند که وقتی مردم چیزی را طاهر می دانند و شارع نیز نظری خلاف آن ندارد، جعل طهارت توسط شارع لغو است؛ چون جعل، نیاز به ملاک و مصلحت دارد. برخی دیگر از بزرگان نیز در باب معاملات بیان کرده اند که شارع امور آنها را به خود مردم واگذار کرده و در این زمینه جعلی از سوی شارع صورت نگرفته است.^۳

برای بررسی نظام اقتصادی اسلام، بحث از حداقلی یا حداکثری بودن احکام اسلام مؤثر است؛ چون برخی از احکام وجود دارد که اسلام نظر نداده است. در صورتی که مبنای حداقلی بودن انتخاب شود، نظر ندادن اسلام از این باب خواهد بود که کاری نداشته است، اما وقتی مبنای حداکثری انتخاب شود و اسلام نظری نداده باشد، ممکن است که از باب عدم وصول روایات و احکام بوده باشد.

ج: عدم بحث از همه اسباب وصول به هدف از نظام اقتصادی

مقدمه سوم برای بحث از نظام اقتصادی اسلام این است که هر نظام اقتصادی دارای هدفی است که برای رسیدن به آن هدف، اموری وجود دارد و موجب حصول آن هدف می شوند. به عنوان مثال اگر وسعت روزی، امنیت، بهداشت و رفاه مردم، هدف برای نظام اقتصادی باشند، برای رسیدن به این اهداف، اموری وجود دارد که رابطه تنگاتنگ با آنها دارد. اگر بنا باشد که این امور به صورت وسیع و گستره مطرح شده و مورد بررسی قرار گیرد، بحث از نقش ایمان مردم در وسعت روزی و نقش گناهان آنها در فقر و تنگدستی نیز باید مطرح شود؛ چون در روایات و آیات متعددی به این مضمون اشاره شده است. به عنوان مثال در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»^۴ اشاره شده است که تقوا پیشه کردن اهل ایمان، موجب نزول باران می گردد.

۱. مثال دیگر برای نظریه دوم این است که مأموران انتظامی که در کنار جاده ها قرار دارند، به همه رانندگان تذکر نمی دهند که چگونه حرکت کنند بلکه صرفاً کسانی که تخلف انجام می دهند را هشدار می دهند. در نتیجه نسبت به کسانی که طبق قوانین عمل می کنند، هیچ تذکری ندارد؛ چون فرض این است که خودش مسیر صحیح را طی می کند و در این شرایط، تذکر دادن به او لغو است.

۲. الکافی ۲: ۷۴.

۳. لازم به ذکر است که مقصود از «واگذار کردن به مردم»، امضای معاملات آنها هم نیست؛ چون امضا کردن نیز حکم و جعل شرعی می شود. مقصود این است که اساساً نسبت به مواردی که در بین مردم وجود دارد، دخالت نکرده است و صرفاً موارد خط قرمز مانند ربا را متذکر شده است.

۴. سوره اعراف ۹۶.



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در برخی آدله نیز مطرح شده است که گناه و معصیت مردم موجب نزول بلاهایی از قبیل سیل و زلزله و قحطی می گردد. بر اساس این آدله، اطاعت و یا عصیان اهل ایمان آثار اقتصادی به دنبال دارد. اما در این مجال به این مباحث نخواهیم پرداخت کما اینکه در سایر مکاتب اقتصادی نیز به این مباحث پرداخته نشده است. البته سایر مکاتب اساساً به تأثیر چنین عواملی اعتقاد ندارند، اما از نظر اسلامی و بر اساس آیات و روایات، چنین تأثیری ثابت است، اما مورد بحث قرار نمی گیرند.

تبیین هدف از نظام اقتصادی اسلام

قبل از ورود به اصل بحث از نظام اقتصادی اسلام و بررسی امور مرتبط با آن، هدف نظام اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد و در مرحله بعد، چگونگی وصول به این نتیجه مطرح می شود؛ یعنی باید ابتداءً مشخص شود که مطلوب و هدف نظام اسلامی، به صورت حداکثری است که مردم بالاترین مرتبه اقتصادی را داشته و از بالاترین رفاه برخوردار باشند و در نتیجه از بهترین امکانات رفاهی از قبیل منزل، خودرو و خوراک و پوشاک استفاده کنند و یا اینکه هدف نظام اقتصادی اسلام کاملاً حداقلی است که مسلمانان زندگی خود را با حداقل امکانات و صرفاً در حدی که از مرگ نجات پیدا کنند، بگذرانند. بنابراین باید مشخص شود که اسلام، مرتبه بسیار بالا را در نظر گرفته است و یا اینکه به حداقل امکانات اکتفا کرده است.

برخی از نویسندگان تعبیر کرده اند که دیدگاه اسلام این است که مردم در رفاه باشند. به نظر می رسد که در این کتب از تعبیر مناسبی استفاده نشده است؛ چون تعبیر «رفاه» از نظر معنایی مجمل است و در روایات، به جز یک یا دو روایت، از این تعبیر استفاده نشده است. از جمله روایاتی که در آن از تعبیر «رفاه» استفاده شده است، روایت ابوحمزه ثمالی است که دعای مفصلی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. در بخشی از این روایت آمده است:

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ وَكَانَ يُسَمِّيهِ الدُّعَاءَ الْجَامِعَ... أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَبْلُغْ بِهَا رِضْوَانَكَ وَ أَصِيرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَاةِ وَ غَدَاً اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا يَكْفِينِي وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَ لَا تَبْتَلِنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَ مَعَاشًا وَاسِعًا هَنِينًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ ...^۱

در این روایت امام باقر علیه السلام تعلیم دعا فرموده اند که از خدای متعال درخواست رفاه در معیشت شود. در صورتی که ادعا شود هدف شارع مقدس، رفاه مردم است، این روایت می تواند به عنوان مستند قرار گیرد، اما در عمده روایات از این تعبیر استفاده نشده است بلکه در روایات بسیاری که در آنها خود انمه علیهم السلام دعا کرده اند و یا اینکه به مؤمنین تعلیم داده اند، از تعبیری همچون «وسعت رزق» استفاده شده است. برای روشن شدن این مطلب، به چند روایت اشاره می شود.

این روایات از نظر تعداد بسیار فراوان هستند و لذا در مورد آنها بحث سندی انجام نمی شود.

۱. تهذیب الأحکام ۳: ۷۶.



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

الف: صحیحہ عیص بن قاسم

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُثِّنْ عَلَى رَبِّهِ وَ لِيَمْدَحْهُ ... وَقُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكْفُ بِهِ وَجْهِي وَ أُوَدِّي بِهِ عَنْ أَمَانَتِي وَ أَصِلْ بِهِ رَحِمِي وَ يَكُونُ عَوْنًا لِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ...^۱

این روایت به بیان چگونگی دعا کردن پرداخته است و در بخشی از آن، امام علیه السلام تعلیم کرده اند که تعبیر «اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ» به کار برده شود. وسعت رزق اختصاص به خوراک، پوشاک و مسکن ندارد و بالاتر از این موارد را شامل می شود؛ چون در ادامه روایت به مواردی از قبیل حفظ آبرو، ادای امانت، صلح رحم و انجام حج و عمره نیز اشاره شده است. از طرف دیگر وقتی امام علیه السلام دعا کردن به این صورت را تعلیم می دهند، کشف می شود که این امر، مطلوب شارع است و وقتی وسعت رزق، مطلوب شارع باشد، به این معنا خواهد بود که شارع در نظام خودش در نظر گرفته است که این نتیجه برای مردم حاصل شود؛ چون دعاهایی که ائمه علیهم السلام تعلیم می داده اند، صرف لقلقه زبان و دعای صرف نبوده است. بنابراین از این روایت استفاده می شود که تنگدستی و فقر مطلوب شارع نیست. البته اسلام با اسراف نیز مخالف است و لذا نتیجه این است که مطلوب شارع، تحقق زندگی با آسایش و به دور از اسراف برای مردم است تا برای رسیدن به کمالات، احتیاجات خود را برطرف کنند و بتوانند روابط اجتماعی داشته باشند.

ب: روایت معمر بن خلاد

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَظَرَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِلَى رَجُلٍ وَ هُوَ يَقُولُ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع سَأَلْتَ قُوتَ النَّبِيِّينَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا حَلَالًا وَ أَسِعًا طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ.^۲

در این روایت که از امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام نقل شده، آمده است که امام باقر علیه السلام مشاهده کرده اند که شخصی از خدای متعال درخواست رزق حلال می کند. امام باقر علیه السلام رزق حلال را قوت پیامبران شمرده و از آن شخص می خواهند که این گونه دعا نکنند بلکه رزق حلال، واسع و پاکیزه را از خدای متعال طلب کند. از این روایت استفاده می شود که مطلوب شارع این نیست که مردم در حد قوت پیامبران داشته باشند بلکه مطلوب شارع این است که همگی در سعه رزق و آسایش باشند. البته زندگی زاهدانه مطلب دیگری است که در مباحث آتی مطرح خواهد شد.

ج: روایت بزندی

۱. الکافی ۲: ۴۸۵.

۲. الکافی ۲: ۵۵۲.



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَاعِ جُعِلَتْ فِدَاكَ اذْعُ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ فَقَالَ أَتَدْرِي مَا الْحَلَالَ قُلْتُ الَّذِي عِنْدَنَا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع
يَقُولُ الْحَلَالَ هُوَ قُوتُ الْمُصْطَفَيْنِ ثُمَّ قَالَ قُلْ أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ^۱

در این روایت نیز اشاره شده است که رزق حلال همان است که از طریق کسب پاکیزه حاصل می شود. در ادامه آن نیز آمده است که پیامبران الهی دارای وظیفه خاصی بوده اند و مردم نباید خودشان را هم ردیف پیامبران قرار دهند. در نتیجه نباید دعا کنند که روزی آنها همانند آنها باشد بلکه باید دعا کنند که روزی وسیع داشته باشند.

د: روایت پدر محمد جعفری

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُنْتُ كَثِيرًا مَا أَشْتَكِي عَيْنِي
فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ وَبَلَاغًا لِرُجُوعِ عَيْنَيْكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ تَقُولُ فِي
دُبْرِ الْفَجْرِ وَدُبْرِ الْمَغْرِبِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ
فِي بَصَرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالبَيْتِينَ فِي قَلْبِي وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ
لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي^۲

بر اساس این روایت، پدر محمد جعفری نسبت به چشم درد خود به امام صادق علیه السلام شکایت کرده اند. امام صادق علیه السلام به بیان دعائی پرداخته اند که برای دنیا و آخرت او نافع باشد و درد چشم او را نیز تسکین دهد. یکی از فقراتی که در این دعا وجود دارد، درخواست سعه روزی است. با توجه به اینکه راوی روایت که جعفری است، خصوصیت ندارد، قابل استفاده است که همه مردم می توانند این دعا را داشته باشند؛ چون تعلیم آن توسط امام علیه السلام، حاکی از مطلوب بودن وسعت روزی در نزد شارع است.

ه: روایت عمار بن موسی ساباطی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ
بْنِ مُوسَى السَّابِاطِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ - اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَنْزِلِ الْقُرْآنِ
هَذَا شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ - وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَ أَعِنَّا عَلَى
قِيَامِهِ اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَ سَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ مُعَافَاةٍ وَ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَ تَقْدُرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِيْمَا
يُفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدُلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ
حَجُّهُمْ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ - الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمُ الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَ تَقْدُرُ أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي وَ
تَوْسِعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ^۳

در این روایت نیز دعا برای توسعه رزق ذکر شده است.

و: روایت ابن طیار

۱. الکافی ۲: ۵۵۳.

۲. الکافی ۲: ۵۵۰.

۳. الکافی ۴: ۷۱.



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنِ ابْنِ الطَّبَّارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنَّهُ كَانَ فِي يَدِي شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَضِعْتُ صَيِّقًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَلَيْكَ حَانُوتٌ فِي السُّوقِ قُلْتُ نَعَمْ وَقَدْ تَرَكْتُهُ فَقَالَ إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَاقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ وَانْكُسُهُ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سُوقِكَ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رُكْعَاتٍ ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ - تَوَجَّهْتُ بِالْحَوْلِ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَا لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَفُوتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ فَأَنْتَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا كَثِيرًا طَيِّبًا...^۱

در این روایت نیز برای زمان مضیق، دعائی نقل شده است که درخواست رزق کثیر شده است.

ز: روایت ابن صبیح

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا عَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تَجِبَ الصَّلَاةَ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ التَّشَهُدِ قُلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي عَدَوْتُ التَّمَسُّ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَارْزُقْنِي رِزْقًا حَالًا طَيِّبًا وَأَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ تُعِيدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَصَلِّي رُكْعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ التَّشَهُدِ قُلْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ عَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَا لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَفُوتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ هَذَا الْيَوْمَ وَبِرَبِّكَ أَهْلِهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا طَيِّبًا حَالًا تَسُوِّفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ تَقُولُهَا ثَلَاثًا.^۲

تاکنون به تعدادی از روایات در باب وسعت روزی اشاره گردید و روایات دیگری نیز باقی است. به عنوان مثال در دعای کمیل تعبیر «أورزق بسطته» به کار رفته است و چند فقره از دعای ابوحمزه ثمالی نیز در باب روزی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دعا برای وسعت رزق داشته اند و این رفتار ایشان استمرار داشته است؛ به گونه ای در مورد رفتار ایشان، عبارت «کان رسول الله» به کار رفته است که حکایت از دائمی بودن این عملکرد ایشان دارد.

علاوه بر روایات مربوط به درخواست وسعت روزی از خداوند متعال، روایات متعددی وجود دارد که خداوند متعال حکمت جعل زکات را از بین بردن فقر فقراء قرار داده است؛ یعنی نباید در جامعه فقیر وجود داشته باشد. روایتی طولانی نقل شده است که امام صادق علیه السلام با عده ای که لباس های خشن را از رو پوشیده و در زیر آنها لباس های نرم داشته اند، به محاجه پرداخته و فرموده اند: «أخبروني لو كان الناس كلهم كالذين تريدون زهاداً لا حاجة لهم في متاع غيرهم فعلى من كان يتصدق بكفارات الأيمان والتدوير والصدقات من فرض الزكاة من الذهب والفضة والتمر والزبيب وسائر ما وجب فيه الزكاة من الإبل والبقر والغنم وغير ذلك»^۳ بر اساس این روایت، اگر بناء بود که همه مردم زاهدانه زندگی کنند و دیگر نیازی نبود که از دیگران چیزی بگیرند، دیگر کسی برای پرداخت کفارات، نذور و زکات اموال باقی نمی ماند. بنابراین وقتی خدای متعال پرداخت این موارد را واجب کرده است، مشخص می شود که مطلوب شارع این نیست که مردم فقیرانه زندگی کنند.

در روایات متعددی در باب زکات نقل شده است که خداوند فقراء را در اموال اغنیاء شریک قرار داده است. البته این دسته از روایات به تنهایی کافی نیست و نیاز به ضمیمه دارند که مقدار شرکت را تعیین کرده باشد. بنابراین اگر شخصی توان بر انجام کار نداشته باشد،

۱. الکافی ۳: ۴۷۴.

۲. الکافی ۳: ۴۷۵.

۳. الکافی ۵: ۶۹.



جلسه: ۰۱

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: تبیین هدف از نظام اقتصادی

استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

فقیر نیست؛ چون اگرچه درآمد بالمباشره ندارد، اما خدای متعال برای او جایگزین قرار داده است که همان زکات است. در روایت ابی المغراء آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ»^۱ بر اساس این روایت، فقراء با اغنیاء شریک هستند و آنها حق ندارند حق شرکای خود را در جای دیگر مصرف کنند. در روایت دیگری نیز که علت فقر در بین مردم را بیان کرده، آمده است: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنْعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ»^۲ خداوند متعال در اموال اغنیاء برای فقراء مال قرار داده است و اگر می دانست که این مقدار که تعیین شده است، موجب سعه برای آنها نمی شود، مقدار زکات را بیشتر می کرد. در ادامه روایت نیز بیان شده است که فقر فقراء به جهت فرائض الهی نبوده است، بلکه به این دلیل است که نیازمندان، حقوق فقراء را پرداخت نکرده اند.

حاصل روایات باب زکات نیز این چنین است که زندگی کردن مردم در فقر و تنگدستی، مطلوب شارع مقدس نیست بلکه مطلوب او سعه رزق و زندگی در آسایش است.

۱. الکافی ۳: ۵۴۵.

۲. الکافی ۳: ۴۹۶.